



Understanding People

درک مردم

Lesson 1

مفاهیم کلیدی

۲۴ اسم قابل شمارش و غیر قابل شمارش و اعداد

۲۶ یادگیری زبان و زبان‌های در حال انقراض

۲۳ واژگان و اصطلاحات جدید

۲۵ جمله‌های ساده و ترتیب ارکان جمله ساده

۲۷ درک مردم

آزمون تشخیصی مفاهیم کلیدی

بلندبوم بلندنیوادم ۲۴.۱ پاسخ درست را از پرانتز انتخاب کنید.

1. I don't have (many / much) information about that subject.
2. There's some (meat / people) in that small kitchen.
3. How (many / much) fruit did you buy last night?
4. We spent six (hundreds / hundred) dollars on the project.
5. We ate (a few / few) pieces of bread and I don't feel hungry anymore.
6. There are (sixty four books / twenty-five apples) on the desk.
7. A: How much sugar do you need? B: I need (a lot of / a lot).
8. We have (a / some) news for you.

۲۴.۲ جمله‌های زیر را با دانش گرامری خود کامل کنید.

1. I don't know how many Mr. Jackson have. Maybe one child.
2. We need two of bread for breakfast.
3. A: Do you have friends? B: No, I have many friends.
4. I am thirsty. I have to buy a of water.
5. A: How bread are you going to buy?

۲۴.۳ به سؤال‌های زیر پاسخ کامل دهید.

1. How many trees are there in your city?
.....
2. How much milk should children drink each day?
.....
3. How much money do you spend every week?
.....
4. How many friends do you have at school?
.....
5. How much is six and four?
.....

پاسخ

1. much, 2. meat, 3. much, 4. hundred, 5. a few, 6. twenty-five apples, 7. a lot, 8. some
1. children, 2. loaves / slices / pieces, 3. few, 4. bottle, 5. much
1. There are many / a lot of trees in my city.
2. Children should drink a glass of milk each day.
3. I spend 100,000 tomans every week.
4. I have many friends at school.
5. Six and four is ten.

..... [۲۴.۱]

..... [۲۴.۲]

..... [۲۴.۳]

.....Vocabulary.....

۲۳ واژگان و اصطلاحات جدید

بلدیوم بلدینوم

☐ ability (n.) ☐ She has the ability to pass the test.	توانایی او توانایی قبول شدن در آزمون را دارد.
☐ absolutely (adv.) ☐ I was absolutely certain that it was her.	حتماً، قطعاً، کاملاً من قطعاً مطمئن هستم که آن (خود) او بود.
☐ almost (adv.) ☐ It is almost three o'clock.	تقریباً تقریباً ساعت سه است.
☐ amount (n.) ☐ He spent a large amount of money.	مقدار، میزان او مقدار پول زیادی را خرج کرد.
☐ around (prep., adv.) ☐ I'll see you around seven o'clock.	حدود، اطراف، دور و بر من تو را حدود ساعت هفت می بینم.
☐ at last (det.) ☐ She waited all week, and at last they arrived.	سرانجام او تمام هفته منتظر ماند و سرانجام آن ها آمدند.
☐ available (adj.) ☐ Is the doctor available this evening?	قابل دسترس، در دسترس آیا پزشک امروز عصر در دسترس است؟
☐ bag (n.) ☐ Put the apples in the bag , please.	کیسه، گونی، ساک دستی آن سیب ها را در کیسه بگذارید، لطفاً.
☐ begin (v.) ☐ The movie begins at 7:30.	شروع شدن، شروع کردن فیلم ساعت ۷:۳۰ شروع می شود.
☐ beginning (n.) ☐ I didn't see the beginning of the show.	ابتدا، آغاز من ابتدای نمایش را ندیدم.
☐ besides (prep., adv.) ☐ I don't really want to go. Besides , it is too late.	علاوه بر، علاوه بر این من واقعاً نمی خواهم بروم. علاوه بر این، خیلی دیر است.
☐ borrow (v.) ☐ Can I borrow your pen?	قرض کردن، قرض گرفتن آیا من می توانم خودکار شما را قرض بگیرم؟
☐ bottle (n.) ☐ They drank two bottles of water.	بطری آن ها دو بطری آب نوشیدند.
☐ by (prep., adv.) ☐ I must finish my homework by noon.	تا، تا قبل از من باید تا ظهر تکلیفم را تمام کنم.
☐ by means of ☐ We crossed the river by means of a bridge.	به وسیله، توسط ما توسط یک پل از رودخانه عبور کردیم.
☐ Canadian (n., adj.) ☐ Are you Canadian ?	کانادایی، اهل کانادا آیا شما کانادایی هستید؟
☐ candle (n.) ☐ It is dark. Light the candle , please.	شمع تاریک است. شمع را روشن کن، لطفاً.
☐ century (n.) ☐ That writer lived in the 16th century .	قرن آن نویسنده در قرن شانزدهم زندگی می کرد.



☐ coffee shop (n.) ☐ Let's meet in the coffee shop this evening.	کافی شاپ بیایید امروز عصر (یکدیگر را) در کافی شاپ ملاقات کنیم.
☐ communicate (v.) ☐ We only communicate by email.	ارتباط برقرار کردن ما فقط از طریق ایمیل ارتباط برقرار می‌کنیم.
☐ communication (n.) ☐ We are in daily communication by email.	ارتباط ما از طریق ایمیل در ارتباط روزانه هستیم.
☐ continent (n.) ☐ Is Asia the largest continent ?	قاره آیا آسیا بزرگ‌ترین قاره است؟
☐ cost (v.) ☐ How much do these pants cost ?	ارزیدن، قیمت داشتن این شلوار چقدر می‌ارزد (قیمتش چقدر است)؟
☐ deaf (adj.) ☐ My grandmother is going deaf .	ناشنوا مادر بزرگ من دارد ناشنوا می‌شود.
☐ despite (prep.) ☐ We decided to go there despite bad weather.	برخلاف، علی‌رغم ما تصمیم گرفتیم علی‌رغم هوای بد (به) آن جا برویم.
☐ difference (n.) ☐ What's the difference between these cars?	تفاوت، اختلاف تفاوت بین این اتومبیل‌ها چیست؟
☐ dollar (n.) ☐ This table costs four hundred dollars .	دلار این میز چهارصد دلار قیمت دارد.
☐ disappear (v.) ☐ The sun disappeared behind the clouds.	ناپدید شدن خورشید در پشت ابرها ناپدید شد.
☐ each other (pron.) ☐ They looked at each other angrily.	همدیگر، یکدیگر آن‌ها با عصبانیت به یکدیگر نگاه کردند.
☐ early (adj., adv.) ☐ We usually get up early .	زود ما معمولاً زود (از خواب) بلند می‌شویم.
☐ exist (v.) ☐ Does life exist on other planets?	وجود داشتن آیا در سیاره‌های دیگر زندگی وجود دارد؟
☐ experience (n.) ☐ She has four years' teaching experience .	تجربه او تجربه تدریس چهار ساله دارد.
☐ explain (v.) ☐ He explained how to use the phone.	توضیح دادن او توضیح داد که چگونه از آن تلفن استفاده می‌کنند.
☐ explanation (n.) ☐ Did he give any explanation for his behavior?	توضیح آیا او هیچ توضیحی برای رفتارش داد؟
☐ farming (n.) ☐ They live by fishing and farming .	کشاورزی آن‌ها از طریق ماهی‌گیری و کشاورزی زندگی می‌کنند.
☐ feeling (n.) ☐ I'm sorry if I hurt your feelings .	احساس من متأسفم اگر به احساسات شما لطمه زدم.
☐ first (det.) ☐ I am the first on the list.	اول، اولین من اولین (نفر) در لیست هستم.
☐ fluently (adv.) ☐ Tom speaks five languages fluently .	به‌طور روان، سلیس تام به‌طور سلیس به پنج زبان صحبت می‌کند.

☐ word (n.) ☐ What is the Spanish word for 'dog'?	کلمه، لغت کلمه اسپانیایی برای «سگ» چیست؟
☐ written (adj.) ☐ The written exam is on Monday.	نوشته شده، نوشتاری آزمون نوشتاری در روز دوشنبه است.
☐ wrongly (adv.) ☐ You shouldn't use the words wrongly .	به اشتباه، اشتباه، به طور غلط شما نباید از کلمه ها به طور غلط استفاده کنید.
☐ You're welcome! ☐ 'Thank you.' 'You're welcome !'	خواهش می‌کنم. «متشکر.» «خواهش می‌کنم!»

بلدیوم بلدنیوم

۲۳ واژگان کتاب کار

☐ access (n.) ☐ Do you have access to a computer at home?	دسترسی آیا تو در خانه به کامپیوتر دسترسی داری؟
☐ add (v.) ☐ Please add your name to the list.	اضافه کردن لطفاً نام خود را به لیست اضافه کن.
☐ afraid (adj.) ☐ Don't be afraid to open the door.	ترسیده از باز کردن در ترسید.
☐ appear (v.) ☐ This word appeared in the text three times.	ظاهر شدن، نمایان شدن این کلمه در متن سه بار ظاهر شد (آمد).
☐ artist (n.) ☐ Andy Warhol was a famous American artist .	هنرمند اندی وار هول یک هنرمند معروف آمریکایی بود.
☐ beginner (n.) ☐ This class is suitable for beginners .	مبتدی، تازه‌کار این کلاس برای مبتدی ها مناسب است.
☐ Belgium (n.) ☐ My uncle lives in Belgium .	بلژیک عموی من در بلژیک زندگی می‌کند.
☐ certainly (adv.) ☐ Mike is certainly the best swimmer.	قطعاً، حتماً مایک قطعاً بهترین شناگر است.
☐ confident (adj.) ☐ I'm confident that our team will win.	مطمئن، دارای اعتماد به نفس من مطمئن هستم که تیم ما برنده خواهد شد.
☐ consider (v.) ☐ We must consider what to do next.	در نظر گرفتن، در نظر داشتن ما باید در نظر بگیریم که بعداً می‌خواهیم چه کار بکنیم.
☐ day-to-day (adj.) ☐ This is a part of our day-to-day work.	روزانه، روز به روز این بخشی از کار روزانه ما است.
☐ decide (v.) ☐ She decided that she didn't want to come.	تصمیم گرفتن او تصمیم گرفت که نمی‌خواهد بیاید.
☐ escape (v.) ☐ The two men escaped into the forest.	فرار کردن آن دو مرد به داخل جنگل فرار کردند.
☐ etc. (abbr.) ☐ Remember to take some paper, a pen, etc.	و غیره یادت باشد مقداری کاغذ، یک خودکار و غیره برداری.



☐ extra (adj.) ☐ She had to work harder to get some extra money.	اضافه، اضافی او مجبور بود سخت‌تر کار کند تا مقداری پول اضافی بگیرد.
☐ grammar (n.) ☐ Is grammar very important?	دستور زبان، گرامر آیا دستور زبان مهم است؟
☐ hint (n.) ☐ He wrote some helpful hints about farming.	نکته او نکته‌های مفیدی در مورد کشاورزی نوشت.
☐ improve (v.) ☐ The doctors say she is improving .	بهبود یافتن، بهبود بخشیدن پزشک‌ها می‌گویند او در حال بهبود یافتن است.
☐ improvement (n.) ☐ There was a big improvement in his behavior.	پیشرفت، بهبود در رفتار او پیشرفت زیادی وجود داشت.
☐ item (n.) ☐ What's the next item on the list?	مورد، چیز مورد بعدی در لیست چه چیزی است؟
☐ label (v.) ☐ I labeled all the boxes with my name.	برچسب زدن من جعبه‌ها را با نام خودم برچسب زدم.
☐ make sure ☐ Make sure you don't leave your phone on the bus.	اطمینان حاصل کردن، مطمئن شدن مطمئن شو که موبایل‌ت را در اتوبوس جا نگذاشته باشی.
☐ mention (v.) ☐ She didn't mention your name.	ذکر کردن، نام بردن، اشاره کردن او نام تو را ذکر نکرد .
☐ mistake (n.) ☐ Don't worry, we all make mistakes .	اشتباه نگران نباش، همه ما اشتباه می‌کنیم.
☐ pack (n.) ☐ I bought a pack of chocolate yesterday.	بسته من دیروز یک بسته شکلات خریدم.
☐ plenty (of) (pron.) ☐ We have plenty of time to get there.	مقدار زیاد، فراوان، بسیار ما وقت زیادی داریم تا به آن جا برسیم.
☐ program (n.) ☐ Did you watch the program on TV last night?	برنامه آیا دیشب آن برنامه را در تلویزیون تماشا کردی؟
☐ quite (adv.) ☐ I went to bed quite late last night.	کاملاً، واقعاً من دیشب واقعاً دیر خوابیدم.
☐ suggest (v.) ☐ Simon suggested going for a walk.	پیشنهاد کردن سایمون پیشنهاد کرد به پیاده‌روی برویم.

۲۳ مترادف‌ها و متضادها

کلمه	مترادف	متضاد
☐ absolutely	☐ surely	☐ —
☐ at least	☐ minimum	☐ at most
☐ begin	☐ start	☐ stop; end
☐ beginning	☐ start	☐ end; ending
☐ early	☐ —	☐ late

☐ largely	☐ greatly	☐ —
☐ luckily	☐ fortunately	☐ unfortunately
☐ nearly	☐ about	☐ —
☐ popular	☐ favorite	☐ unpopular
☐ seek	☐ search for	☐ —
☐ simple	☐ easy	☐ complicated
☐ so	☐ therefore	☐ —
☐ tiny	☐ small	☐ big, huge
☐ turn off	☐ —	☐ turn on
☐ uncountable	☐ —	☐ countable
☐ wrongly	☐ —	☐ correctly

۲۳ عبارت‌ها و همنشین‌های مهم

پل‌بندیم پل‌بندیم

واژگان همنشین و عبارت‌های مهم

☐ birthday candle	شمع تولد
☐ Canadian dollar	دلار کانادایی
☐ chicken soup	سوپ مرغ
☐ cultural values	ارزش‌های فرهنگی
☐ endangered language	زبان در معرض خطر
☐ farming region	منطقه کشاورزی
☐ go shopping	به خرید رفتن
☐ international language	زبان بین‌المللی
☐ meet the needs	برآورده کردن نیازها
☐ mental power	قدرت ذهنی
☐ mobile phone	تلفن همراه
☐ mother tongue	زبان مادری
☐ native language	زبان بومی
☐ native speaker	گویش‌ور بومی
☐ popular food	غذای پرطرفدار
☐ sign language	زبان اشاره
☐ surf the Net	در اینترنت گشت زدن
☐ uncountable words	کلمه‌های غیرقابل شمارش
☐ wind power	قدرت باد

..... Grammar

۲۴ اسم قابل شمارش و غیرقابل شمارش و اعداد

در زبان انگلیسی اسم‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

(۱) اسم قابل شمارش که شمرده می‌شود، تعداد دارد و قابل جمع بستن است. مانند اسم‌های زیر:

a cat → cats

a bird → birds

a man → men

one box → boxes

one wolf → wolves



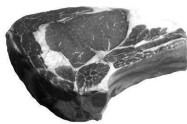
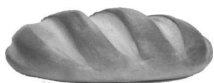
۲) اسم غیرقابل شمارش که شمرده نمی‌شود، مقدار دارد و جمع بسته نمی‌شود. بعضی از اسم‌های غیرقابل شمارش اسم‌های زیر هستند:

advice	توصیه	help	کمک	rice	برنج
air	هوا	honey	عسل	salad	سالاد
attention	توجه	ice cream	بستنی	seafood	غذای دریایی
baggage	بار سفر	information	اطلاعات	sleep	خواب
blood	خون	jelly	ژله	snow	برف
bread	نان	juice	آب میوه	sport	ورزش
communication	ارتباط	knowledge	دانش	sugar	شکر، قند
carbon	کربن	love	عشق	tea	چای
cheese	پنیر	meat	گوشت	tennis	تنیس
chess	شطرنج	metal	فلز	time	زمان
coffee	قهوه	milk	شیر	today	امروز، امروزه
danger	خطر	money	پول	traffic	ترافیک
energy	انرژی	news	خبر	travel	سفر
food	غذا	oxygen	اکسیژن	water	آب
fruit	میوه	paper	کاغذ	weather	آب و هوا
fun	تفریح	power	قدرت	wildlife	حیات وحش
gold	طلا	rain	باران	wood	چوب
health	سلامتی	research	تحقیق	work	کار

تک کلمه‌ها یا عبارت‌هایی (صفت‌های کمی) که قبل از اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش به کار می‌روند به صورت زیر هستند:

قبل از اسم‌های قابل شمارش		قبل از اسم‌های غیرقابل شمارش	
one, two, three, ..., several	یک، دو، سه، ...، چندین		اعداد به کار نمی‌روند
few, a few	تعداد کم	little, a little	مقدار کم
some	تعدادی	some	مقداری
many	تعداد زیادی	much	مقدار زیادی
plenty of	تعداد زیادی	plenty of	مقدار زیادی
a lot of, a lot, lots of	تعداد زیادی	a lot of, a lot, lots of	مقدار زیادی
How many ...?	چه تعدادی ...?	How much ...?	چه مقداری ...?

برای اسم‌های غیرقابل شمارش معمولاً از واحدهای شمارش مختلفی استفاده می‌شود که برخی از آن‌ها به صورت زیر هستند:

a bottle of	(یک بطری ...)		a bottle of water / milk / juice
a cup of	(یک فنجان ...)		a cup of tea / coffee
a glass of	(یک لیوان ...)		a glass of water / juice / milk
a bag of	(یک کیسه ...)		a bag of rice / sugar / chocolate
a piece of	(یک تکه ...)		a piece of cake / fruit / paper
a slice of	(یک برش ...)		a slice of pizza / banana / watermelon
a kilo of	(یک کیلو ...)		a kilo of meat / rice / cheese
a loaf of	(یک قرص ...)		a loaf of bread

نکته ~~~~~ دقت داشته باشید اگر قبل از اسمی یک صفت قرار بگیرد، ابتدا عدد، سپس صفت و بعد از آن‌ها اسم مورد نظر را می‌نویسیم.

a new car (یک اتومبیل جدید)

an easy question (یک سؤال راحت)

one hundred young men (یک صد مرد جوان)

نکته ~~~~~ عددها جمع بسته نمی‌شوند مگر این که بخواهیم به وسیله آن‌ها «مبالغه» کنیم و از «تعداد خیلی زیاد» صحبت کنیم. در این صورت هم باید به آن‌ها «s» جمع اضافه کنیم و هم بعد از آن‌ها «of» به کار ببریم.

There are **two hundred** birds in the cage. (عدد)

در این قفس **دویست پرنده** وجود دارند.

There are **hundreds** of birds in the cage. (مبالغه)

در این قفس **صدها (تعداد زیادی) پرنده** وجود دارند.



.....Writing.....

۲۵ جمله‌های ساده و ترتیب ارکان جمله ساده

در (زبان) انگلیسی هر جمله ساده باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد. فاعل که در اول جمله می‌آید معمولاً **انجام دهنده کار** است و فعل معمولاً **خود انجام کار** است. در جمله‌های مثال، زیر فاعل یک خط و زیر فعل دو خط کشیده شده است.

مثال

Neda sleeps late.

ندا دیر می‌خوابد.

فاعل فعل

The bird sings.

آن پرنده آواز می‌خواند.

فاعل فعل

That woman is a teacher.

آن زن معلم است.

فاعل فعل

● طرز پیدا کردن فعل

در زبان انگلیسی در جمله‌های خبری ساده، معمولاً فعل نقش دوم را در جمله دارد و بعد از فاعل می‌آید.

That boy's father speaks two languages.

فاعل فعل

My cousin and his father's friend went swimming last week.

فاعل فعل

● مفعول و طرز شناسایی آن

یک جمله ساده می‌تواند مفعول نیز داشته باشد. مفعول اسمی است که **پذیرای یک عمل** است. برای پیدا کردن مفعول می‌توانید از خود بپرسید «چه کسی» یا «چه چیزی» پذیرای عمل است. دقت داشته باشید که مفعول جمله معمولاً **بعد از فعل اصلی** قرار می‌گیرد.

The kids are drinking milk.

بچه‌ها در حال نوشیدن شیر هستند. (چه چیزی را می‌نوشند؟)

Mahdi visited his friend.

مهدی دوستش را ملاقات کرد. (چه کسی را ملاقات کرد؟)

برای اضافه کردن اطلاعات تکمیلی دیگر به یک جمله ساده به ترتیب از **قید حالت**، **قید مکان** و **قید زمان** در آخر جمله استفاده می‌کنیم. البته می‌توان جای این قیدها را تغییر داد. قید تکرار نیز بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی به کار می‌رود.

My father drove his car carefully in the street yesterday.

دیروز پدر من در خیابان با ماشینش با دقت رانندگی کرد.

قید زمان قید مکان قید حالت مفعول فعل فاعل

We usually play football at school.

ما معمولاً در مدرسه فوتبال بازی می‌کنیم.

فاعل قید تکرار فعل مفعول قید مکان

مثال‌های بیشتر از قیدهای تکرار، حالت، مکان و زمان:

1) Ali will have an exam next week.

علی هفته آینده امتحان خواهد داشت.

قید زمان

2) Zahra studies English at school.

زهره در مدرسه انگلیسی مطالعه می‌کند.

قید مکان

3) Yesterday, I saw my teacher in the street.

دیروز معلمم را در خیابان دیدم.

قید زمان

قید مکان

4) We usually visit our grandmother on Fridays.

ما معمولاً مادر بزرگمان را جمعه‌ها ملاقات می‌کنیم.

قید تکرار

قید زمان

5) My brother can speak French fluently.

برادر من می‌تواند سلیس فرانسه صحبت کند.

قید حالت

یادآوری قیدهای تکرار عبارت‌اند از:

never (هرگز), hardly ever (به ندرت), rarely (گاهی اوقات), sometimes (اغلب), often (معمولاً), usually (همیشه), always

قیدهای حالت معمولاً با اضافه کردن پسوند «-ly» به انتهای بعضی از صفت‌ها ساخته می‌شوند:

slow → slowly / fluent → fluently

تمرین‌های امتحانی

.....Listening.....

۱ به فایل صوتی متن زیر گوش کنید و هر جای خالی را فقط با یک کلمه مناسب پر کنید.

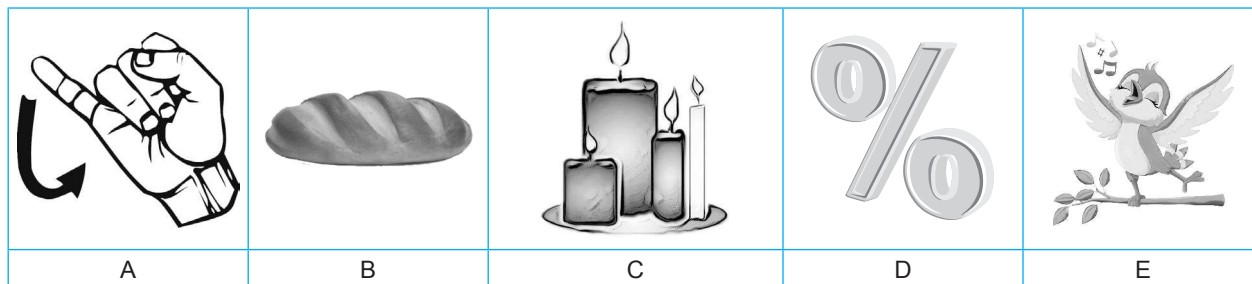
learning a new language doesn't always (1) sitting in the classroom and studying language books. In fact, language teachers (2) that you do plenty of extra learning (3) of school, places like your home or a library near you. There are a number of ways to (4) your understanding of the language.

۲ به فایل صوتی مکالمه گوش کنید و پاسخ دهید.

5. Behnam is reading an English story. True ☐ False ☐
6. Ahmad is doing his homework. True ☐ False ☐
7. Behnam has to listen to audio file as many times as

.....Vocabulary.....

۳ هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید. (یک تصویر اضافه است).



8. I agree with you a hundred percent. ()
9. There are some candles in the picture. ()
10. They use sign language to communicate. ()
11. I bought a loaf of bread for breakfast. ()

[تهران - نمونه دولتی مطهره - دی ۱۴۰۰]

۴ در هر ردیف دو کلمه با هم مترادف هستند. زیر آن‌ها خط بکشید.

12. large / big / extra
13. quit / solve / give up
14. language / wish / want

۵ هر دو کلمه مرتبط را به هم وصل کنید و آن‌ها را در جای خالی بنویسید.

- | | | |
|--------------|-------------|-------|
| 15. sign | a) wishes | |
| 16. exchange | b) diseases | |
| 17. make | c) language | |
| 18. prevent | d) sure | |
| 19. be | e) afraid | |

۶ در هر ردیف کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

20. Russian – Persian – Spain – Chinese
21. give up – look for – search for – seek
22. build – form – create – destroy
23. country – town – program – continent
24. mention – escape – say – tell
25. belief – brain – wish – feeling



۷ برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافه است.)

- | (A) | (B) | |
|-------------|--|-------------------------------------|
| 26. vary | a) without taking any notice of | [ماکو - مدرسه فرزادگان - دی ۱۴۰۰] |
| 27. despite | b) liked by a lot of people | |
| 28. century | c) a large group of people who live together | |
| 29. popular | d) to be different from each other | [اراک - شاهد شهید حاج عباس - دی ۹۹] |
| | e) a period of 100 years | |

۸ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

- [ماکو - مدرسه فرزادگان - دی ۱۴۰۰]
30. Flowers in size, and color.
a) disappear b) endanger c) vary d) destroy
31. I didn't go to the shop. I the shoes online.
a) sought b) learned c) grew d) ordered
32. My language is Persian because I was born in Iran.
a) strong b) native c) deaf d) smart
33. Few of these monkeys still in the wild.
a) begin b) speak c) exist d) form
34. Please buy some of bread on the way home.
a) bottles b) loaves c) glasses d) cups
35. I'm that I saw him somewhere.
a) confident b) fluent c) simple d) extra
36. We don't have to the yard from the apartment.
a) grass b) melon c) tongue d) access
37. I he will be coming by car.
a) begin b) imagine c) vary d) grow
38. A: Are 'greatly' and 'largely'? B: Yes, they are.
a) synonym b) tiny c) strong d) fast
39. The man translated some sentences so we didn't hire him.
a) carefully b) suitably c) clearly d) wrongly

۹ جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافه است.)

(exists – largely – simple – regions – matter – wishes)

40. There is no sign that life on other planets. [ملایر - مدرسه فرزادگان - دی ۱۴۰۰]
41. Call me when you get there, no what the time is.
42. Many people live in one of the most beautiful of North America.
43. It was a bad day, because of doing the same job all the time.
44. Schools should respect the of parents.

۱۰ جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

45. Deaf people use language to communicate.
46. I speak English fluently, but it's not my tongue.
47. We drank something in a coffee round the corner.
48. A: How much does a loaf of bread? B: Two dollars.
49. Listen! Those children are a beautiful song.
50. I am going to buy that car, no how expensive it is.

۱۱ مترادف یا متضاد کلمه‌های مشخص شده را بنویسید.

51. There was a bad accident, luckily, nobody was hurt. (=)
52. That old man comes from a tiny village. (≠)
53. This new cellphone is very simple to use. (≠)
54. That powerful telescope was very expensive. (=)

..... Grammar

۱۲ پاسخ درست را از بین دو گزینه داخل پرانتز انتخاب کنید.

55. The teacher can give you (some / a few) information about exam.

[توران - مدرسه سوره - ری ۱۴۰۰]

56. There (was / were) a lot of people in the shop.

[توران - مدرسه سلام - ری ۱۴۰۰]

57. He lost (lots of/many) blood in the car accident.

[قم - نمونه دولتی حاج محمد ایزدی - ری ۱۴۰۰]

58. The old man bought some (sugar / banana) last night.

59. How many (watermelon / wolves) can you see there?

60. Our teacher gave us an easy (quiz / quizzes) last week.

61. How (much / many) attention is needed?

62. Did you know we need four (hundred / hundreds) books?

63. We need (plenty of / many) time to finish the project.

64. A: How much money do you have?

B: (a lot of / a lot).

۱۳ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

65. How much did they take home?

a) money

b) apple

c) books

d) boxes

66. There were some old in my room.

a) table

b) person

c) men

d) dress

67. My friends saw chickens in the yard.

a) any

b) much

c) little

d) a lot of

68. My uncle has

a) old Italian car

b) many bag of rice

c) a house modern

d) a lot of money

69. They sold cars in just three years!

a) millions of

b) million of

c) two millions

d) million of

70. Let's borrow two and a

a) cup of tea / bread

b) erasers / book

c) some water / bottle of milk

d) cheese / apple

71. A: Are you going to listen to the news?

B: Yes, I'm going to listen to

a) them

b) they

c) it

d) us

72. The man saw big dog. dog was very dangerous.

a) ___ / ___

b) a / a

c) the / a

d) a / the

73. Look! Those can speak two languages fluently.

a) foreigner

b) fat boys

c) young child

d) women

74. Which sentence is grammatically correct?

a) They often study Belgian hard in the library.

b) They study often Belgian hard in the library.

c) They often study Belgian in the library hard.

d) In the library, they hard often study Belgian.

۱۴ با توجه به تصویر پاسخ کامل دهید.

75. How many trees can you see in the park?

.....



76. Are there many women in the picture?

.....





77. How much water did you drink?

.....



78. Do you see few cars in the parking lot?

.....



79. How much money do they save every year?

.....



80. Are there many people in the park today?

.....



۱۵ در هر جای خالی یک واحد شمارش مناسب بنویسید. (ممکن است بیش از یک پاسخ درست وجود داشته باشد.)

81. We need a of bread for breakfast.
 82. How many of water did you drink?
 83. Where did you put those three of coffee?
 84. The man gave me some of pizza.
 85. People buy many of milk from my shop every day.

..... Writing

۱۶ در جمله‌های داده شده، زیر فاعل یک خط و زیر مفعول دو خط بکشید.

86. Many years ago, people didn't used different languages.
 87. Mr. Lake and his best friend traveled to Africa.
 88. When did you learn Japanese?
 89. Look! That man is a famous artist.
 90. Last Saturday, my mother didn't cook dinner.

[قم - مدرسه فاج مشهور ایزدی - دی ۱۴۰۰]

[تهران - مدرسه علامه ملی - دی ۱۴۰۰]

۱۷ با توجه به جمله‌های داده شده، جدول زیر را کامل کنید.

- a) Last year, my father learnt Spanish well.
 b) Foreign people usually visit Mr. Richards.
 c) She was eating in the kitchen before lunch.

91. Subject	92. Object	93. Verb	94. Adverb of place	95. Adverb of manner	96. Adverb of time
a.		a.			
b.	a.	b.	a.	a.	a.
c.	b.	c.			b.

۱۸ در هر شماره اگر کلماتی که در کنار هم قرار گرفته‌اند یک جمله را تشکیل می‌دهند، جمله را با حرف بزرگ شروع کنید، در انتهای جمله نقطه بگذارید و آن

[تهران - مدرسه سلام - فروردین ۱۴۰۱]

را بازنویسی کنید.

97. my mother is talking
 98. he reads many
 99. impossible to go
 100. she called us
 101. the animal died
 102. the man was happy

۱۹ در هر ردیف، کلمه‌های به هم ریخته را مرتب کنید و یک جمله درست بنویسید.

103. students / were / how many / yesterday / absent /?

[همدان - نمونه‌دولتی آمنة - دی ۱۴۰۰]

104. didn't / see / we / school / teachers / yesterday / at / any /.

[اراک - شاهر شهید حاج عباس - دی ۹۹]

105. people / more / Chinese / one billion / in the world / than / speak /.

106. glass / you / me / water / bring / a / please / could / of / ?

107. usually / lunch / the man / eats / his / in / this restaurant /.

108. my / fluently / brother / can / French / speak /.

..... Cloze Test

[تهران - مدرسه سیدالشهداء - دی ۱۴۰۰]

۲۰ متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.

Learning a (109) language is hard and it takes time. If you want to learn a language, you have to use the language in order to learn it, improve it, and remember it. It's (110) tennis. No matter how many books about tennis you read, you won't be able to (111) your game until you get out and start hitting the ball. Language is the same. Learners need exposure to the language - through reading it whenever and wherever possible, through speaking and listening (112) the language, through using the language for real (113) Language learning is largely an unconscious process; we learn grammar by hearing and seeing models of correct English, not by studying grammar rules.

- | | | | |
|---------------------|------------------|------------------|-------------|
| 109. a) lucky | b) wrong | c) native | d) foreign |
| 110. a) like | b) for | c) with | d) into |
| 111. a) improve | b) exist | c) solve | d) wish |
| 112. a) at | b) for | c) to | d) with |
| 113. a) celebration | b) communication | c) commemoration | d) creation |

..... Reading

[تهران - مدرسه مفید - دی ۹۹]

۲۱ متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های آن پاسخ دهید.

Although a child communicates from birth, at first he does not get what he is doing. He moves his body, makes sounds, or changes the look on his face because of the way he feels. For example, he may cry because he feels hungry or wet. Slowly, he sees that his messages make things happen. When he cries, someone comes to see what is wrong. When he smiles, people smile back. So he begins to send messages to make things happen.

Communication is a powerful tool for getting what we want or need and understanding what other people want or need. You can help a child begin to communicate by responding to his movements, sounds, and looks on the face. This helps him learn that his **actions** have an effect on others.

الف) متن را scan کنید و با یک کلمه پاسخ دهید.

114. Find a synonym for 'start':

115. Find a synonym for 'strong':

ب) با توجه به متن، برای جمله درست True و برای جمله نادرست False بنویسید.

116. Children can't communicate.

117. When a child is wet he cries.

ج) با توجه به متن، پاسخ را انتخاب کنید.

118. This passage says

- communication starts when we are born
- we can't help a child communicate
- crying is not a kind of communication

119. When a child smiles,
 a) he feels hungry b) people send massages c) people smile too
120. The word 'action' is closest in meaning to
 a) communication b) behavior c) means

۲۲ متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های آن پاسخ دهید.

People often ask which is the most difficult language to learn, and it is not easy to answer because there are many factors to take into consideration. Firstly, in a first language the differences are not important because people learn their mother tongue naturally, so the question of how hard a language is to learn is only relevant when learning a second language.

A native speaker of Spanish, for example, will find Portuguese much easier to learn than a native speaker of Chinese, for example, because Portuguese is very similar to Spanish, while Chinese is very different, so first language can affect learning a second language. The greater the differences between the second language and our first, the harder it will be for most people to learn. Many people answer that Chinese is the hardest language to learn, possibly influenced by the thought of learning the Chinese writing system, and the pronunciation of Chinese does appear to be very difficult for many foreign learners. However, for Japanese speakers, who already use Chinese characters in their own language, learning writing will be less difficult than for speakers of languages using the Roman alphabet.

الف) با توجه به متن، برای جمله درست True و برای جمله نادرست False بنویسید.

121. Learning Chinese is hard for all the people. True ☐ False ☐
122. If your first language is similar to another language, you learn the second one easily. True ☐ False ☐

123. same :

124. hard:

125. more:

ب) در متن بالا برای کلمه‌های زیر مترادف پیدا کنید.

• سؤال‌های ویژه امتحان برای کنکور

۲۳ جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید (حرف اول کلمه داده شده است).

126. My students are very f speakers. They speak English easily and fast.
127. Out of one hundred: p
128. My mother t is Persian. I was born in Iran.
129. A large group of people who live together is called a s

۲۴ جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

130. My brother drinks a water before lunch.
131. We are going to live in the village no what people say.
132. Did you know that IRIB is the short form of the Islamic Republic of Iran ?

۲۵ پاسخ درست را انتخاب کنید.

133. The money they asked for in return for the company's services was eight dollars. [انسانی ۹۸]
 1) million 2) millions 3) millions of 4) million of
134. Nearly 100 of fish are taken from the ocean every year. [فارج - تهرانی ۹۹]
 1) millions ton 2) million tons 3) millions tons 4) millions of tons
135. I can't give up sugar. It's one of I have left in life. [انسانی ۱۴۰]
 1) the few pleasures 2) the little pleasure
 3) so much pleasure 4) only some pleasures
136. If he had been in the family, things might have been different for him in so many ways. [ریاضی ۱۴۰]
 1) only child 2) the only child 3) the only children 4) an only children
137. We have money, so we can't buy that car.
 1) some 2) many 3) little 4) much
138. I was not very hungry, so I ate only a dish of salad and a of pizza.
 1) few 2) loaf 3) some 4) slice

People who speak Swahili who want to communicate using a “compyuta”, which is the Swahili word for computer, are unable to do so in their own language. It makes no difference that computers have huge hard drives and sophisticated software. They cannot operate in Swahili or other African languages, of which there are hundreds.

Soon, however, they may be able to. Linguists in Africa are working with information technology specialists to make computers operable to Africans who do not know any of the languages currently used on the Internet. Economics is bringing about this change. Microsoft sees a market for its software among Swahili speakers in East Africa. Google now has a search engine for speakers of Swahili in Kenya. Other software companies will probably soon develop products for African consumers. In addition to economics, there is another reason for making the computer accessible to Africans. Hundreds of African languages are dying out, and linguists view the computer as a way to save them. According to UNESCO estimates, 90 percent of the world's 6,000 languages are not on the Internet, and one language becomes extinct every day somewhere in the world. The hope is that computers can help save them.

[فارج - تہری ۹۹]

139. Which of the following is true about the Swahili people, according to the passage?

- 1) They lack computer skills to enable them to use computers.
- 2) They are not willing to make use of the computer in their life.
- 3) They speak a language they cannot communicate with through the computer.
- 4) They do not have the hard drive and the necessary software to make computer use a reality.

140. The passage suggests that the number of languages in which people cannot operate through the computer is

- 1) increasing on a daily basis
- 2) more than one
- 3) limited to African countries only
- 4) yet to be determined

141. It can be concluded from the passage that there are some Africans who

- 1) speak languages that have no written format
- 2) are inventing languages that are sure to die out
- 3) have little trust in foreign companies' real intentions
- 4) are not familiar with any language other than their mother tongue

142. The author has mentioned UNESCO mainly in order to

- 1) support an earlier statement
- 2) show the number of languages on the Internet
- 3) prove that it is the African languages that are most ignored
- 4) emphasize that saving languages from extinction is a global duty

What's the most useful way of learning a language? Is it writing essays or doing grammar exercises? The answer is clear - whatever you like doing. Evidence shows that the most successful language learners are those who find something they like to do with their chosen language and do it again and again. And it doesn't really matter what the activity is.

Some of the clearest evidence of this has come through research into reading. Stephen . Krashen, a well-known second language researcher, decided to look at how well language learners who read for fun did in grammar tests. He discovered that they did better than people who went on courses and it wasn't important what books they read.

To prove this, he gave students books from a series called Sweet Valley High. These are popular books about teenage life. Although the books' literary quality may not have been high, the readers made good progress in vocabulary, reading, and speaking tests. In a separate case study, a girl improved her writing so much that her angry teacher accused her of copying. The only explanation she had was that she'd started reading regularly.

[هنر ۱۳۰۰]

143. What is the primary purpose of the passage?

- 1) To introduce a researcher and his recent findings
- 2) To prove the inaccuracy of a commonly held view
- 3) To answer a question related to learning a language
- 4) To describe one of the most important research findings



144. It can be concluded from the passage that the people who took part in Krashen's study

- 1) spoke English as their native language
- 2) had already learned a second language fully
- 3) liked to read books with a high literary quality
- 4) were interested in reading in a foreign language

145. Why has the author mentioned 'a separate case study' in paragraph 3?

- 1) To argue that reading is useful for girls as well as boys
- 2) To show that practice in reading affects one's progress in other language-related areas
- 3) To prove that giving learners practice in writing is as effective as giving them practice in reading
- 4) To conclude that writing in a foreign language can make people turn to reading texts more regularly

146. Which of the following statements is supported by the passage?

- 1) If second language learners find something fun to do in each of the four language skills, they soon realize that reading is the most enjoyable language skill.
- 2) Language learners learn best when their teachers focus on one basic language skill most of the time.
- 3) People can learn a language faster if and only if they read passages as often as possible.
- 4) The best strategy to follow to learn a language may vary from person to person.

۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	سؤال تمرین
۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	کد مفاهیم کلیدی

۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱	۵۰	۴۹	۴۸	۴۷	۴۶	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱	۴۰	۳۹	۳۸	۳۷	۳۶	۳۵	۳۴	۳۳	۳۲	۳۱	سؤال تمرین
۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	کد مفاهیم کلیدی

۹۰	۸۹	۸۸	۸۷	۸۶	۸۵	۸۴	۸۳	۸۲	۸۱	۸۰	۷۹	۷۸	۷۷	۷۶	۷۵	۷۴	۷۳	۷۲	۷۱	۷۰	۶۹	۶۸	۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	۶۱	سؤال تمرین
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	کد مفاهیم کلیدی

۱۲۰	۱۱۹	۱۱۸	۱۱۷	۱۱۶	۱۱۵	۱۱۴	۱۱۳	۱۱۲	۱۱۱	۱۱۰	۱۰۹	۱۰۸	۱۰۷	۱۰۶	۱۰۵	۱۰۴	۱۰۳	۱۰۲	۱۰۱	۱۰۰	۹۹	۹۸	۹۷	۹۶	۹۵	۹۴	۹۳	۹۲	۹۱	سؤال تمرین
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	کد مفاهیم کلیدی

۱۴۶	۱۴۵	۱۴۴	۱۴۳	۱۴۲	۱۴۱	۱۴۰	۱۳۹	۱۳۸	۱۳۷	۱۳۶	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۲	۱۳۱	۱۳۰	۱۲۹	۱۲۸	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵	۱۲۴	۱۲۳	۱۲۲	۱۲۱	سؤال تمرین
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۵	۲۴	۲۴	۲۴	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	کد مفاهیم کلیدی

mean [۲۷] ۱

suggest [۲۷] ۲

outside [۲۷] ۳

improve [۲۷] ۴

False [۲۷] ۵

False [۲۷] ۶

needed – the same [۲۷] ۷

(D) من با تو صد درصد موافق هستم.

(C) تعدادی شمع در تصویر وجود دارند.

(A) آن‌ها از زبان اشاره برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنند.

(B) من برای صبحانه یک قرص نان خریدم.

(large = big) بزرگ [۲۳] ۱۲

(quit = give up) منصرف شدن [۲۳] ۱۳

(wish = want) خواسته [۲۳] ۱۴

(c) (sign language) «زبان اشاره» [۲۳] ۱۵

(a) (exchange wishes) «تبادل کردن آرزوها» [۲۳] ۱۶

(d) (make sure) «اطمینان حاصل کردن» [۲۳] ۱۷

(b) (prevent diseases) «پیشگیری کردن از بیماری‌ها» [۲۳] ۱۸

(e) (be afraid) «ترسیده» [۲۳] ۱۹

روسی – فارسی – اسپانیا – چینی [۲۳] ۲۰

منصرف شدن – جست‌وجو کردن – جست‌وجو کردن - [۲۳] ۲۱

جست‌وجو کردن

..... [۲۳] ۲۲ ساختن – تشکیل دادن – خلق کردن – نابود کردن

..... [۲۳] ۲۳ کشور – شهر – برنامه – قاره

..... [۲۳] ۲۴ ذکر کردن – فرار کردن – گفتن – گفتن

..... [۲۳] ۲۵ باور – مغز – آرزو – احساس

..... [۲۳] ۲۶ (d) متفاوت بودن = از یکدیگر متفاوت بودن

..... [۲۳] ۲۷ (a) علی‌رغم، برخلاف = بدون توجه به

..... [۲۳] ۲۸ (e) قرن = یک دوره صد ساله

..... [۲۳] ۲۹ (b) محبوب = دوست داشته شده توسط بسیاری از مردم

..... [۲۳] ۳۰ گزینه «C»

گل‌ها از نظر اندازه و رنگ متفاوت هستند.

(a) ناپدید شدن (b) به خطر انداختن

(c) متفاوت بودن (d) نابود کردن

..... [۲۳] ۳۱ گزینه «d»

من به فروشگاه نرفتم. من آن کفش‌ها را آنلاین سفارش دادم.

(a) جست‌وجو کرد (b) یاد گرفت

(c) رشد کرد (d) سفارش داد

..... [۲۳] ۳۲ گزینه «b»

زبان بومی من فارسی است زیرا من در ایران متولد شدم.

(a) قوی (b) بومی

(c) ناشنوا (d) زرتشت

..... [۲۳] ۳۳ گزینه «C»

تعداد خیلی کمی از این میمون‌ها هنوز در حیات وحش وجود دارند.

(a) شروع کردن (b) صحبت کردن

(c) وجود داشتن (d) تشکیل دادن

..... [۲۳] ۳۴ گزینه «b»

لطفاً سر راه خانه تعدادی قرص نان بخرید.

(a) بطری (b) قرص

(c) لیوان (d) فنجان

..... [۲۳] ۳۵ گزینه «a»

من مطمئن هستم که او را جایی دیدم.

(a) مطمئن (b) روان

(c) ساده (d) اضافی

..... [۲۳] ۳۶ گزینه «d»

ما از آپارتمان به حیاط دسترسی نداریم.

(a) چمن (b) هندوانه

(c) زبان (d) دسترسی

..... [۲۳] ۳۷ گزینه «b»

من تصور می‌کنم او با اتومبیل خواهد آمد.

(a) شروع شدن (b) تصور کردن

(c) فرق داشتن (d) شدن

..... [۲۳] ۳۸ گزینه «a»

آیا largely و greatly مترادف هستند؟

(a) مترادف (b) کوچک

(c) قوی (d) سریع

..... [۲۳] ۳۹ گزینه «d»

آن مرد چند جمله را اشتباه ترجمه کرد بنابراین ما او را استخدام نکردیم.

(a) به طور دقیق (b) به طور مناسب

(c) به طور شفاف (d) به طور اشتباه

..... [۲۳] ۴۰ «exists» هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که در سیاره‌های دیگر

زندگی وجود دارد؟

..... [۲۳] ۴۱ «matter» هر موقع به آن‌جا رسیدی با من تماس بگیر، مهم

نیست که ساعت چند است. (مهم نیست = no matter)

..... [۲۳] ۴۲ «regions» تعداد افراد بسیاری در یکی از زیباترین مناطق

آمریکای شمالی زندگی می‌کنند.

..... [۲۳] ۴۳ «largely» روز بدی بود، بیشتر به خاطر انجام دادن کار مشابه

در تمام طول روز.

..... [۲۳] ۴۴ «wishes» مدرسه‌ها باید به خواسته‌های والدین احترام بگذارند.

..... [۲۳] ۴۵ «sign» افراد ناشنوا برای ارتباط برقرار کردن از زبان اشاره

استفاده می‌کنند.

..... [۲۳] ۴۶ «mother» من انگلیسی را روان صحبت می‌کنم، اما آن زبان

مادری من نیست.

..... [۲۳] ۴۷ «shop» ما در کافی‌شاپ همین نزدیکی چیزی نوشیدیم.

..... [۲۳] ۴۸ «cost» یک قرص نان چقدر می‌ارزد؟ دو دلار.

..... [۲۳] ۴۹ «singing» گوش کن! آن بچه‌ها دارند یک آواز زیبا می‌خوانند.

..... [۲۳] ۵۰ «matter» من قصد دارم آن اتومبیل را بخرم، مهم نیست چقدر

گران است.

..... [۲۳] ۵۱ (fortunately) خوشبختانه = خوشبختانه

..... [۲۳] ۵۲ (big / large) کوچک ≠ بزرگ